

# مذاکرات صلح خاورمیانه و امپریالیزم اروپای غربی

نوشته دکتر عبدالصاحب یادگاری

با شکست عراق در جنگ خلیج فارس که پس از سقوط شوروی آخرین ضربه وارده بر پیکره «بان عربیسم» بود، آرزوی ناسیونالیست‌های عرب در احیای امپراتوری اموی نقش بر آب شد.

سران جنبش فلسطین که ناسیونالیزم عرب را پناهگاه منطقه‌ای و شوروی را پشتوانه خارجی تلقی می‌کردند با فرو پاشیدن کشور اخیر و متعاقباً به زانو در آمدن عراق، (رژیم بعث عراق پس از کمپ دیوید در ۱۹۷۹ مرکزیت اتحادیه عرب را از قاهره به بغداد انتقال داده بود و خود را پرچمدار نهضت بان عربیسم معرفی می‌کرد) آخرین امید خود به ناسیونالیسم عرب را از دست دادند و برای حفظ سلطه خود بر جنبش، آماده برای تفاهم با اسرائیل بر پایه استراتژی آمریکا برای صلح در خاورمیانه شدند.

دستیابی آمریکا به سلاح‌های دفاع استراتژیک و کاربرد اشعه لیزر در امور نظامی که به تفوق فن‌آوری نظامی این کشور بر شوروی سابق انجامید، سبب شد تا کشور اخیر در مقابل اراده امپریالیزم آمریکا تسلیم شود.

جنگ خلیج فارس در واقع استمرار استراتژی پنتاگون در تحمیل سلطه خود بر حوزه مهم و حساس خلیج فارس و ملزم کردن عراق (آخرین سنگر بان عربیسم) تمکین از نیت خود در شناسایی موجودیت اسرائیل بود.

همانگونه که در بالا ذکر شد این تحولات، مدیریت سیاسی الفتح به رهبری یاسر عرفات را واداشت برای پیشگیری از سلب ابتکار رهبری از خود، دست امید به سوی واشنگتن دراز کند. پیروزی آمریکا در انتقال عنوان «تنها ابرقدرت جهان» به خود باعث وحشت و موضعگیری اروپای بساخرتری شد و دولت انگلستان که از سده شانزدهم، از دوران سلطنت هانری هشتم و فرزندش ملکه الیزابت اول تا پایان جنگ جهانی دوم و حتی تا سال‌های اخیر، با ایجاد مواجهه بین آمریکا و شوروی در پرتو

موازنه وحشت، دولت موازنه دهنده در جهان محسوب می‌شد<sup>(۱)</sup> با تشویق سایر دول اروپایی عضو اتحادیه اقتصادی اروپا به تسریع در جهت وحدت سیاسی، اراده خود را برای استمرار حیات بریتانیای کبیر در چهارچوب کامنولث به اثبات رسانید. چرا که بنا بود پس از سرنگون شدن شوروی، موجودیت دو امپراطوری انگلستان و فرانسه نیز به زیر سؤال رود و ملزم به محدود شدن در قلمرو جغرافیای ملی خود گردند که در اواخر حاکمیت جرج بوش، از حزب جمهوری خواه بر کاخ سفید، مسأله استقلال بوسنی از یوگسلاوی با تشویق آمریکا با هدف نفوذ به اروپای معترض استمرار حیات ناتو پس از سقوط شوروی مطرح شد و سپس بحث

ضرورت ارجاع جبل‌الطارق به اسپانیا و آزادی جزیره کورس از فرانسه به میان آمد که اینها همه برای دو دولت اروپای غربی حاوی پیام‌های تکان دهنده‌ای بود. اما پتانسیل امپریالیزم انگلستان و نفوذ گسترده این کشور در آمریکا موجب شد تا ناسیونالیزم آمریکا به رهبری حزب جمهوری خواه و مدیریت جورج بوش در انتخابات با شکست مواجه شود و یک فرد بی‌تجربه، اما هوادار همکاری وسیع با اروپا به ویژه انگلستان از حزب دموکرات (حزبی که همواره هوادار انگلستان بوده است و با شرکت دادن کشور خود در جنگ جهانی اول و دوم، به عنوان پیش‌مرگ

بریتانیای کبیر عمل کرده و به استمرار حیات انگلیس کمک رسانده است) برگزیده شود.

تبلیغات عوام فریبانه، آن هم با شعارهای کاملاً دروغ، بیل کلینتون بر مسند قدرت نشانند و مظهر اراده ناسیونالیزم آمریکا (حزب جمهوری خواه) را زمین‌گیر کرد و در موضع اقلیت جای داد.

هنوز سه ماه از استقرار این جوان در کاخ سفید نگذشته بود که وی با اعلام عدم توانایی در برآوردن ادعاهای مطرح شده در جریان مبارزات انتخاباتی، چهره واقعی خود را نشان داد.

شکست‌هایی که در زمینه سیاست داخلی یکی پس از دیگری دامنگیر بیل کلینتون شده و

## عکس‌هایتان را امانت دهید



نشریه گزارش از هموطنان فرهنگ پرور خود تقاضا دارد عکس‌های فیزی - تاریخی - مناظر - بناهای تاریخی و ... را با ذکر مشخصات برای مدتی به این واحد امانت دهند. عکس‌های منتخب با ذکر نام فرستنده، مورد استفاده قرار خواهد گرفت و به همراه هدیه‌ای باز پس فرستاده خواهد شد. عکس‌های استفاده نشده نیز به فرستندگان ممتزم آن‌ها عودت داده می‌شود.

توجه: حتماً با پست سفارشی ارسال شود.



نشانی: تهران - صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵

نزدیکی تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شرایطی فراهم آورده تا بسان دوره انتخابات گذشته، هواداران انگلستان، از جمله «روس پیرو» و «جیمی کارتر»، مجدداً وارد صحنه سیاست شوند و از رئیس جمهور بخواهند تا با حل مسائلی نظیر بوسنی و هرزه گوین (که سابقاً به دلیل مخالفت انگلستان و علییرغم اصرار حزب جمهوری خواه، بیل کلینتون از کمک به مردم بوسنی طفره می رفت) و سپس اقدام نظامی برای حل مسأله کوزوو، برای خود در جامعه آمریکا وجهه ای کسب کند. به نظر می رسد که این فرآیند هم تأثیر چندانی در کسب مقام ریاست جمهوری مجدد از سوی کاندیداهای حزب دموکرات نداشته باشد و لذا لازم شد، بسان دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر که کمپ دیوید را شکل داد، با ایجاد شرایط سازش بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها و زمینه سازی برای امضای یک قرارداد صلح بین سوریه و اسرائیل برپایه اصل استرداد زمین در مقابل شناسایی موجودیت اسرائیل از سوی سوریه، بر میزان وجهه ملی بیل کلینتون افزوده شود.

### منافع اروپای غربی در خاورمیانه

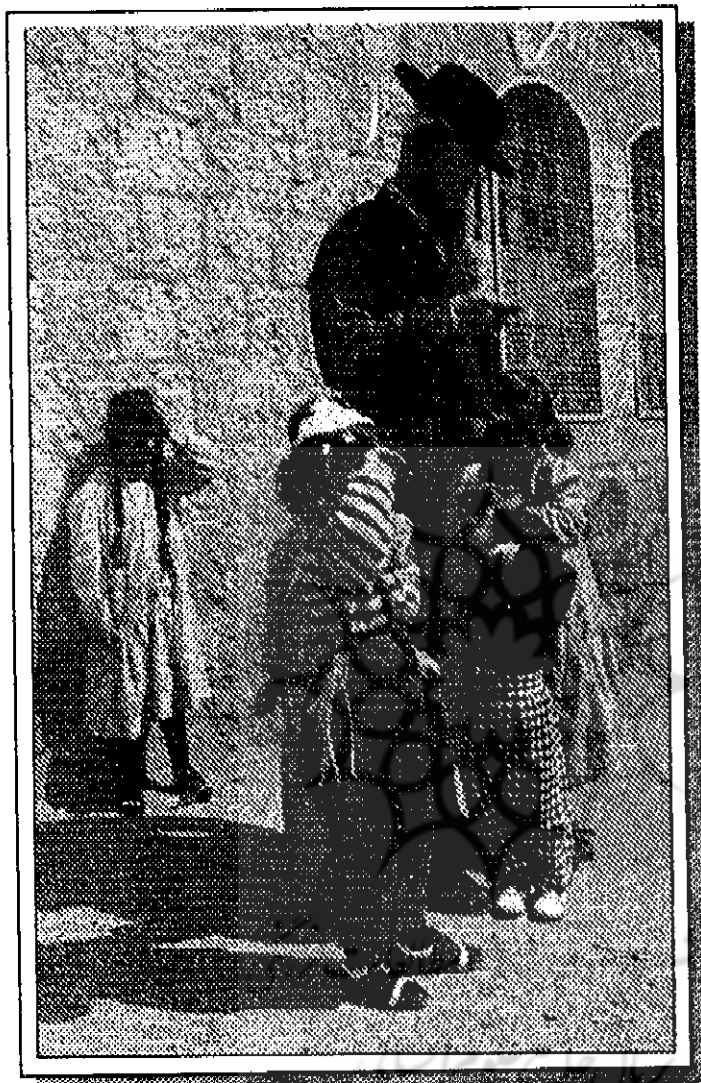
اما آیا در صورت تحقق چنین صلحی بین سوریه و اسرائیل گره کور خاورمیانه گشوده خواهد شد؟

عامل مهمی که در رابطه با اختلافات اعراب و اسرائیل وجود دارد موضع اروپا به رهبری انگلستان است، زیرا همین عامل موجب استمرار تنش بین اعراب و اسرائیل است و مانع حل مسالمت آمیز اختلافات خواهد شد.

کانون ملی یهود که انگلستان آن را در ۱۹۱۷ با مطرح کردن اعلامیه بالفور به وجود آورد مسأله ای نبوده، و نیست که تنها دامنگیر اعراب باشد بلکه موضوعی است که به سرنوشت اروپای غربی (به ویژه انگلیس و فرانسه که در خاورمیانه عربی از مصالح اقتصادی گسترده، از نفت گرفته تا بازرگانی و مواقع استراتژیک برخوردار هستند) نیز بستگی دارد.

هدف استراتژیک انگلستان از خلق اسرائیل در ۱۹۱۷ بهره برداری از یک پایگاه تدافعی مطمئن برای نگهداری مستمر از مصالح خود در شرق سوئز بود، اما در پایان جنگ ۱۹۶۷،

اسرائیل پس از کسب پیروزی، احساس قدرت و استقلال اراده کرد و از زبان اباابان وزیر خارجه اش دو هدف استراتژیک صهیونیزم را به شرح زیر بر ملا کرد:



یک خاخام در یکی از شهرک های تازه احداث شده یهودی نشین، برای کودکان موعظه می کند

- ۱- مشارکت اسرائیل در استخراج و بهره برداری از نفت منطقه خاورمیانه عربی
- ۲- تأسیس یک بازار مشترک با کشورهای عرب، بسان بازار مشترک اروپا (گردهمایی اقتصادی کارابلانکا در سال ۱۹۹۴، نشست عمان در سال ۱۹۹۵ و نشست دوحه در قطر را می توان مصادیق سه گانه آن دو هدف استراتژیک اسرائیل دانست.)

دو ادعای مطروحه پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل از سوی مدیریت دیپلماسی تل آویو، پیام شومی بود برای دو امپریالیزم

اروپای غربی (فرانسه و انگلیس) و به همین دلیل دولتین مذکور از همان مقطع تاریخی مسیر دیپلماسی خود را تغییر دادند و ضدیت پنهانی با اسرائیل را آغاز کردند. از وزیر خارجه

وقت انگلیس و گلوب پاشا (فرمانده لژیون عرب اردن) گرفته تا ژنرال دوگل رئیس جمهور سابق فرانسه و زیسکار دستن رئیس جمهور سابق فرانسه دم از ضرورت تسخیر اراضی اشغال شده اعراب زدند و از ضرورت تشکیل کشور مستقل فلسطینی سخن گفتند و اسرائیل نیز با جلب پشتیبانی آمریکا همچنان به استمرار اشغال سرزمین های عربی ادامه داد تا خواسته های خود را به اعراب بقبولاند (مذاکرات واشنگتن زیر فشار آمریکا در اطراف این محور دور می زد و اگرچه طرفین مذاکره کننده، نمایندگان سوریه و اسرائیل بودند، اما

اروپا با دقت تمام و به نحوی مشروط این مذاکرات را تحمل کرده و روند آن را زیر نظر داشته است.)

موضعگیری دولتین انگلیس و فرانسه به سود اعراب سبب شد تا طرحی با سرمایه گذاری مشترک این دو دولت برای حفر تونلی در زیر کانال سوئز و ایجاد خطوط راه آهن در آن مورد بررسی قرار گیرد. هدف از حفر این تونل آن است که لزوم تجهیزات نظامی به سرعت از آن بگذرد و در صحرای سینا که احتمالاً آخرین آوردگاه خونین اعراب و اسرائیل خواهد بود پیاده شود. بنا به دلایلی که ذکر شد، اروپای

لبنان نیروهای خود را از بخش جنوبی کشور  
اخیر نیز بیرون بکشد.

اما با رشد جنبش اسلامی در کشورهای  
مسلمان منطقه و مطرح شدن شعار «آزادی  
قدس و بازگشت آوارگان فلسطین» (که از  
سوی دولت سعودی مصرانه مورد تأکید قرار  
گرفته است) دولت تل آویو در آینده باز هم با  
مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد و به  
آرامش و امنیت مطلوب نخواهد رسید. در  
آینده مصر، عربستان سعودی و ترکیه (علاوه  
بر الجزایر) دچار تحول خواهند شد و کشور  
ترکیه به صورت پایگاه نظامی پان اسلامیزم در  
خواهد آمد. مصر مرکز تبلیغاتی - سیاسی و  
عربستان سعودی به مرکز مذهبی و پایگاه مالی  
فعال بدل خواهد شد.

با ارائه این تصویر از خاورمیانه عربی و  
ترسیم خطوط استراتژیک انگلستان می‌توان  
پیش‌بینی کرد که تلاش دیپلماتیک آمریکا  
برای گشودن گره کور خاورمیانه با شکست  
مواجه می‌شود. □

**انگلستان و فرانسه به  
دلیل منافع عهده‌های  
که در خاورمیانه عربی  
دارند، از هیچ کوششی  
برای شکست مذاکرات  
صلح در خاورمیانه و  
ناکامی آمریکا در این  
مسئله، فروگذار  
نخواهند کرد.**

غربی نه به خاطر اعراب، بل به خاطر مصالح  
امپریالیستی خود از ادعاهای اعراب در برابر  
اسرائیل جانبداری کرده و می‌کند.

دیپلماسی سوریه در رابطه با استراتژی  
صلح آمریکا در خاورمیانه با توجه به مبانی  
عقیدتی - سیاسی این کشور که همواره خود را  
پایگاه اصلی پان عربیسم معرفی کرده و دیگر  
کشورهای عرب را به دلیل پیروی از سیاست  
انعطاف نسبت به اسرائیل مورد سرزنش قرار  
داده است، بر پایه اصولی استوار شده که نفی یا  
تخریف آنها موجودیت رژیم سوریه را به زیر  
سؤال خواهد برد، و لذا با آنکه حکومت دمشق  
خواستار درگیری مجدد با اسرائیل نیست، اما با  
قناعت بر مواضع خود که تخلیه کامل  
بلندی‌های جولان در یک برهه زمانی محدود  
است پافشاری می‌کند. به عقیده من این احتمال  
وجود دارد که اسرائیل در مقابل موافقت دولت  
دمشق با شناسایی موجودیتش بلندی‌های  
جولان را تخلیه کند و با جلب پشتیبانی دمشق  
برای تعطیل فعالیت حزب‌الله در منطقه جنوبی

**زندگی سالم،  
قلب سالم**



**شرکت ایران بهداشت**

**عرضه کننده کاملترین مجموعه تجهیزات  
و وسایل درمان بیماریهای قلب و عروق**

**با به کار بستن توصیه‌های ساده زیر زمینه ابتلا به بیماریهای  
قلبی را کاهش دهید و سلامتی خود را تضمین کنید:**

**عدم استعمال دخانیات**

**افزایش فعالیت‌های بدنی و ورزش**

**کاهش فشارهای عصبی**

**تغذیه مناسب**

**کاهش استفاده از چربی‌های حیوانی**

**افزایش مصرف سبزیجات و مواد گیاهی**

**کنترل فشار خون**